

پیامدهای فرهنگی جنگ جهانی دوم در همدان (۱۳۲۰-۱۳۲۵ ه.ش.)

مجید فروتن

دانشجوی دکتری تاریخ، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران.

کیوان شافعی (نویسنده مسئول)

استادیار گروه تاریخ، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران.

محمدقربان کیانی

استادیار گروه تاریخ، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران.

انور خالندی

استادیار گروه تاریخ، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران.

فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ (شاپا) ۲۰۰۸-۲۰۱۱ سال ۱۸ شماره ۶۸ - صفحه ۲۶۰-۲۲۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۹/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۸

چکیده:

اشغال همدان توسط متفقین در جنگ جهانی دوم پیامدهای متعددی در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی به دنبال داشت. فعالیت‌های فرهنگی - آموزشی منطقه در این دوره دستخوش تغییرات و تحولات موقت و زودگذر گردید و تأثیرات جنگ باعث ایجاد شرایطی چون چند پارگی برنامه‌های فعالان فرهنگی، فترت فعالیت مطبوعاتی، رکود در عملکرد انجمن‌های ادبی، کم رونق شدن فعالیت‌های سینما و تئاتر، تعلیق آموزش رسمی در مدارس و تعطیلی برخی از آنها در همدان شد. موضوع این تحقیق بررسی پیامدهای فرهنگی جنگ جهانی دوم در همدان است. پژوهش حاضر روش و رویکردی توصیفی - تحلیلی دارد و اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای - اسنادی و بر اساس گزارش‌های موجود گردآوری شده است. این تحقیق در پی پاسخ به این سوال است که حادث شدن جنگ جهانی دوم و اشغال همدان چه پیامدها و تأثیراتی بر اوضاع فرهنگی منطقه داشته و عوامل بروز این پیامدها چه بوده است؟ یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد؛ اغلب پیامدهای فرهنگی - آموزشی به صورت ناپایدار و محدود به دوران اشغال همدان بوده که به تدریج با تخلیه شهر توسط متفقین کارکردهای مراکز فرهنگی - آموزشی دوباره احیاء و فعالیت‌های گذشته خیلی سریع از سر گرفته شده است. این پیامدهای منفی در حوزه فرهنگی - آموزشی جزو پیامدهای کوتاه مدت و ملموس جنگ محسوب می‌شود. در زمان جنگ اولویت اول مردم رفع نیازهای اقتصادی بود و نیازهای فرهنگی - آموزشی در آن دوران اولویت مردم محسوب نمی‌شد. نیز جنگ جهانی دوم برای حوزه فرهنگی همدان پیامد مثبتی به بار نیاورد.

کلید واژه‌ها: همدان، جنگ جهانی دوم، متفقین، پیامدهای فرهنگی

مقدمه:

با شروع جنگ جهانی دوم (۱۹۳۹-۱۹۴۵م/۱۳۱۸-۱۳۲۴هـ ش) توسط آلمان‌ها، ناپره جنگ به دیگر کشورها نیز کشیده شد و در پی آن، با وجود اعلان بی طرفی از سوی دولت، ایران نیز توسط دول متفق در شهریور ۱۳۲۰ به اشغال درآمد. اشغال کشور یکی از تاثیرگذارترین حوادث تاریخ معاصر به شمار می‌آید که تبعات و پیامدهای بسیاری در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی به بار آورد. در این شرایط همدان نیز به مانند برخی از شهرهای ایران به اشغال قوای انگلیس و شوروی درآمد و به تبع شرایط جنگ باعث تحولات زیادی در همه ساختارهای آن شد. حضور قوای متفقین در منطقه در حوزه فرهنگی شرایطی چون مواضع و واکنش مختلف فعالان فرهنگی، فترت فعالیت مطبوعاتی، رکود در عملکرد انجمن‌های ادبی، کم رونق شدن فعالیت‌های سینما و تئاتر و تعلیق آموزش رسمی در مدارس و تعطیلی برخی از آنها گردید.

با وجود اهمیت زیاد بررسی پیامدهای فرهنگی جنگ جهانی دوم در همدان و همچنین وجود منابع و مطالعات متعدد در باب شرایط فرهنگی کشور، در این زمینه پژوهشگران تاکنون به انجام تحقیق و پژوهشی علمی مبادرت نورزیده‌اند و پژوهش‌هایی هم که در این زمینه صورت گرفته‌اند صرفاً به پیامدهای دیگر جنگ جهانی دوم توجه داشته و تاکنون پیامدهای فرهنگی جنگ مورد بررسی جامع قرار نگرفته است. هدف از نگارش این نوشتار در حوزه تاریخ محلی همدان ارائه اطلاعات جدید و مستند از این پیامدها با استفاده از منابع، اسناد و گزارش‌های موجود و تحلیل و بررسی پیامدهای فرهنگی در این دوران است. در تحقیق حاضر این تحولات و تغییرات از زوایای مختلف بررسی تا مشخص گردد اشغال همدان چه پیامدهایی بر منطقه حادث نموده است.

در زمینه موضوع تحقیق، مطالعات کمی وجود دارد و آنچه در خصوص منابع و مطالعات می‌تواند بیان نمود این است که اغلب منابع اخبار و اطلاعات متعدد و تازه‌ای در باب همدان و پیامدهای فرهنگی-آموزشی جنگ جهانی دوم ارائه نمی‌دهند و تصویری کامل و روشن از شرایط و اوضاع

فرهنگی همدان ترسیم نمی‌کنند. اغلب این گزارش‌ها در ارتباط با جنگ جهانی دوم در همدان تکرار مطالب دیگر نوشته‌ها و منابع پیشین است. از جمله این تحقیقات عبارت‌اند از:

۱- از منابع این تحقیق می‌توان به دیوان اشعار شاعران همدان اشاره داشت. شاعرانی که به چشم خود شرایط و اوضاع جنگ در شهر را دیده و در برخی از اشعار و آثار خود بازتاب داده‌اند. از این مجموع می‌توان به «دیوان مفتون همدانی»، «داور همدانی»، «ناهید»، «صابر همدانی»، «صفاءالحق»، «دیوان غمام» و... اشاره داشت. این شاعران پیامدهای جنگ را به صورت کلی و در برخی از اشعار به مصادیقی از آن اشاره کرده‌اند.

۲- در کتاب «تاریخ مطبوعات همدان» اطلاعات نشریات پایانی جنگ و ویژگی آنها و وضعیت انتشار نشریات در دوران اشغال شهر مورد بررسی قرار گرفته است.

۳- در کتاب «بزرگان و سخن‌سرایان همدان» تالیف مهدی درخشان در ۲ جلد اشاره‌ای به بزرگان و شاعران همدان و تاریخچه انجمن‌های ادبی همدان شده است. هر چند مطالب کتاب به اجمال و شرحی از فعالیت انجمن و شاعران همدانی می‌باشد و کمتر به تحلیل و بررسی شرایط پرداخته شده اما می‌توان اطلاعاتی در ارتباط با موضوع تحقیق بدست آورد.

۴- در مقاله داریوش رحمانیان و سجاد گلوچه راعی تحت عنوان «سیاست و آموزش در دوره پهلوی دوم، بررسی مورد، علل چگونگی و فرایند تغییر مباحث و مصوبات شورای عالی فرهنگ: ۱۳۲۰-۱۳۳۲» اشاره‌ای کلی به شرایط آموزش و پرورش در دوران پهلوی دوم و جنگ جهانی دوم شده است. آمارهای ارائه شده در این مقاله از دانش‌آموزان کشور و شرایط تعلیم و تربیت قابل ملاحظه می‌باشد.

۵- مقاله «مدارس کلیمیان و نظام نوین آموزش ملی در ایران»، نوشته نورالدین نعمتی و مطهر ادوای اشاره‌ای به فعالیت مدارس اقلیت‌های دینی همدان چون مدرسه آلیانس دارد و می‌توان اطلاعاتی از شرایط این نوع مدارس در همدان دوران جنگ بدست آورد.

۶- روزنامه «اطلاعات» منتشره در دوران اشغال ایران به برخی از اخبار فرهنگی و آموزشی همدان در دوران جنگ اشاره نموده است. هر چند این اخبار چندان زیاد نیست اما به عنوان یک منبع موثق می‌تواند استناد مطالب مرتبط را بیشتر کند.

همانطور که اشاره گردید هیچ یک از تحقیقات فوق روی موضوع پیامدهای فرهنگی - آموزشی جنگ جهانی دوم در همدان تمرکز نداشته و کمتر به این موضوع ورود کرده‌اند. از این رو می‌توان گفت رویکرد پژوهش حاضر تا حدودی جدید و متفاوت از تحقیقات و نوشته‌های پیشین است؛ به خصوص این که بخش زیادی از مطالب مقاله حاضر مبتنی بر اسناد و مدارک جدید و رسمی می‌باشد.

۱- واکنش و مواضع فعالان فرهنگی

آن گونه که برای روشنفکران کارکرد و نقش اجتماعی قائل می‌گردند، در همدان این نقش و کارکرد اجتماعی هرگز شکل نگرفت و این نقش را باید در کردار و رفتار تحصیل‌کردگان، به فرنگ رفته‌ها و فعالان آموزشی و فرهنگی، روزنامه‌نگاران، شاعران و برخی از کارکنان دولتی جستجو کرد. در دوره حکومت پهلوی اول خاستگاه روشنفکران عمومی‌تر شد و سهم قابل توجهی از نیروی کار کشور را در برگرفت و به طبقه جدیدی تبدیل شد (حاتمی، ۱۳۹۹: ۱۷۷). مهم‌ترین نقش اجتماعی این گروه در زمان رضاشاه بیشتر مخالفت و یا موافقت با برخی از اقدامات او حتی با ظواهر متجدد مآبانه جامعه بود. در این مواضع دو گانه، گروهی که وابستگی اداری و اجتماعی و خانوادگی به حکومت و دولت داشتند با سیاست‌ها و برنامه‌های حکومت ارتباط برقرار کرده و خود حامی و طرف‌دار آن بودند و نقش ترویجی و تبلیغی این اصلاحات را به‌عهده داشتند اما توان هدایت‌گری و جریان‌سازی در جامعه را نداشتند. این عده متأثر از سیاست‌های حکومت و پیشگام در این عرصه، از برنامه‌های غیردینی و صنعتی کردن کشور توسط رضاشاه و نوعی سوسیالیسم او حمایت می‌کردند اما با روش دیکتاتوری او موافق نبودند (فوران، ۱۳۹۲: ۳۵۹). در مقابل گروهی هم از فعالان

فرهنگی و تحصیل‌کردگان بودند که به خاطر عدم وابستگی دولتی با تحولات دوران پهلوی اول موافق نبوده و در شهر با هر گونه برنامه حکومت به مخالفت بر می‌خواستند. این مخالفت عمدتاً از سوی نسل جوان بروز کرد که فاقد تجربه زندگی در سال‌های سخت و دشوار گذشته بود. موضع نسل قدیمی‌تر به نوعی دو سویه و در واقع ضد و نقیض بود (آبراهامیان، ۱۳۸۹: ۱۷۷). البته مخالفت‌ها و ضدیت‌های این گروه در همدان بیشتر غیر مستقیم در قالب فعالیت قلمی، آموزشی و فرهنگی بود و معمولاً به مخالفت مستقیم روی نمی‌آوردند. همانند گروه‌های موافق حکومت، روشنفکران مخالف در همدان چندان قدرتمند و تاثیرگذار نبودند و اقدامات این طیف علاوه بر این که نتوانست تاثیر گذار و جریان‌ساز باشد نیز نتوانست در مسیر حرکت خود، همسویی بین دیگر اقشار جامعه شهری چون بازار، روحانیون و طبقه متوسط همدان را فراهم سازد و از حمایت آنها برخوردار گردند. علیرغم این مواضع دو گانه، روشنفکران و تحصیل‌کردگان همانند گروه‌های دیگر دچار ضعف‌های ساختاری بودند و هم در منگنه قدرت شخصی رضاشاه گرفتار آمدند. گرچه بخشی از این گروه تا مدت‌ها از حامیان رضاشاه بودند و بخشی دیگر علیه بعضی سیاست‌ها و اقدامات او اعتراض نمودند اما گروهی هم موضعی بینابینی و تقریباً خنثی داشتند (سالار کسرای، ۱۳۷۹: ۴۴۵). فعالان فرهنگی همدان آن قدر که بر هم‌فکران و تشکل‌های خود تاثیر گذار بوده و دارای قدرت برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری بودند معمولاً به خاطر این که در هر شرایطی خود را منفک از مردم و نهادهای دولتی می‌دانستند بر نهادهای رسمی و غیر رسمی و مردم عادی شهر چندان تاثیر گذار نبودند. کارکرد و نقش این طیف شهری در جریان جنگ جهانی دوم و اشغال همدان از حکومت ستیزی به بیگانه ستیزی و مخالفت با اقدامات قوای متفقین و حضور آنها در منطقه تبدیل گردید. اتخاذ مواضع مخالف با اقدامات متفقین در قالب برنامه‌های کلامی، نوشتاری و فعالیت در محافل اجتماعی و سیاسی انجام می‌پذیرفت و با همین اقدامات هیجان و هیاهویی ضد آنها با همکاری دیگر اقشار جامعه ایجاد می‌کردند. در این راه عده‌ای از آنها با توجه به سیاست‌های ماموران انگلیس دستگیر و راهی زندان و یا تبعید شدند. چنانچه مفتون شاعر همدانی را به بهانه طرف‌داری از آلمان‌ها به یک روستا دور افتاده از شهر تبعید کردند (دیوان مفتون، ۱۳۷۸: ۱۲۶). در بین تحصیل‌کردگان و فعالان فرهنگی شهر، کمتر افرادی پیدا می‌شد که موافق سیاست‌ها و اقدامات قوای شوروی و

انگلیس در همدان باشند. وابستگان اداری بر حسب سیاست حکومت مجبور بودند که منافع نیروهای متفقین را در منطقه حفظ و برنامه‌های ابلاغی دولت را در راستای سیاست متفقین پیش ببرند. به مناسبت اعلان جنگ به آلمان توسط ایران، در ۴ مهرماه ۱۳۲۲ مجلس جشن با شکوهی در باشگاه از طرف شهرداری همدان منعقد شده عده زیادی از محترمین اهالی شهر و روسای ادارات و افسران متفقین حضور داشته، آقای «قراگوزلو» فرماندار همدان نطق مفصلی مبنی بر محسنات اعلان جنگ دولت ایران به دولت آلمان بیان نمود. در ادامه برنامه سرگرد «ماینز» افسر رابط که کنسول‌گری انگلیس را نیز در همدان عهده‌دار بود، مطالبی مبتنی بر امتنان و خوشوقتی از طرف افسران انگلیسی و آمریکایی اظهار و در خاتمه مجلس فیلم سینمایی فتح لشکر هشتم در آفریقا به نمایش گذاشته شد (روزنامه اطلاعات، ش ۵۲۸۱: ۲). روابط این گروه با قوای آمریکایی و ماموران آنها روابط نزدیک و گرمی نبود و به خاطر ناآشنایی با سیاست‌های آنها نتوانستند در دوران جنگ با آنها ارتباط برقرار کنند و از حامیان آنها محسوب نمی‌شدند. در کل در دوران جنگ آمریکایی‌ها در شهر پایگاهی در بین این طیف و مردم نداشتند.

در بین طیف‌های گوناگون شهری جمعیت بیشتری از تحصیل‌کردگان و فرهنگیان در تقابل متفقین و متحدین تمایل به آلمان داشتند و یا حداقل گرایش آنها بیشتر به آلمان بود تا این که تمایل به دول متفق داشته باشند. گرایش برخی از این تحصیل‌کردگان همدانی به آلمان به منزله بیگانه ستیزی و مقابله با انگلیس و شوروی محسوب می‌شد. بیشتر طرف‌داری آنها از آلمان به این خاطر بود که آرمان‌های خود را در پیشرفت و نظم آلمانی می‌دیدند. آنها آلمان را عامل از بین بردن تفوق نیروهای انگلیس و شوروی در ایران و شهر خود می‌دانستند و امید داشتند که آلمان‌ها با شکست دادن متفقین غرور جریحه‌دار شده ایرانیان را مرهمی بنهند و سیادت گذشته را به ایران بازگردانند و دست این دو دولت متجاوز را از دامن ایران کوتاه سازند (فقیه، ۱۳۷۹: ۳۹). این طیف در جریان جنگ بیشتر پیگیر اخبار پیروزی آلمان‌ها بودند و با شکست دول متفق به شادی و سرور می‌پرداختند. تحصیل‌کردگان همدانی نیل به آرمان‌های خود را در اقدامات آلمان می‌دید و آلمان را عامل توسعه و ترقی

کشور می دانست و برخی از آنها در شهر به صورت مخفیانه و غیر رسمی پایگاه حامیان آلمان را تشکیل داده بودند و به طرفداری از آنها می پرداختند. خیلی از آنها با ماموران و گروه های تشکیل شده حامی آلمان همکاری و ارتباط داشتند. این حمایت آنها از آلمان چند پاره گی بین آنها را بوجود آورده بود و خود یکی از عوامل عدم موفقیت در مبارزات دوران جنگ و کارنامه درخشان آنها به شمار می آمد. با توجه به شرایط جنگ و توان اندک مقابله و ایستادگی آنها در مقابل دشمن به نسبت دوران حکومت ستیزی کمتر به بیگانه ستیزی و پایداری برخاستند و مقابله و ایستادگی آنها در این دوره چندان تاثیر گذار، مستمر، با یک برنامه مدون و منظم تحت تابعیت واحد و هدایت شده به منظور رسیدن به یک هدف خاصی نبود و در نتیجه عملکرد موفق در مقابل بیگانگان از خود باقی نگذاشتند. این گروه در شرایط خاص جنگ، فاقد قدرت هدایت گری مردم بودند و حتی نتوانستند آنها را با خود همراه سازند. ارتباط این جماعت با روحانیت چندان قوی و همیشگی نبود و اغلب در برنامه ها و اقدامات حکومت با یکدیگر همسویی نداشته و به مقابله با یکدیگر می پرداختند و علیرغم این که شهر و مردم در این زمان به اتحاد آنها نیاز مبرمی داشت همچنان در زمان مبارزه با بیگانگان و جنگ در هدایت و رهبری روحانیون و علما شهر با آنها همسویی نداشتند. در دوران اشغال شهر آنچه که این طیف را با دیگر اقشار اجتماعی شهر نزدیک کرده بود و ارتباط و همکاری موثری داشتند، دغدغه های مشترک حاصل از شرایط اجتماعی و سیاسی دوران جنگ و اقدامات بیگانگان بود که برای بهبود وضع موجود و حفظ آن برای تفوق بر نیروهای خارجی تلاش می کردند.

۲- وضعیت مدارس

در سال ۱۳۲۰ هـ.ش مجموعاً ۲۸۷۲۴۵ دانش آموز در ۲۳۳۶ مدرسه ابتدایی جدید که تقریباً همگی تحت پوشش وزارت فرهنگ بود، درس می خواندند. در همین سال حدود ۲۸۱۹۴ دانش آموز در ۱۱۰ دبیرستان خصوصی (ملی) و ۲۴۱ دبیرستان دولتی تحصیل می کردند (کسرایی، ۱۳۷۹: ۴۲۶). در این دوران، جمعیت زیادی از محصلین را دختران تشکیل می دادند که در مدارس مخصوص به خود تحصیل می کردند. سال های ۱۳۰۳ تا ۱۳۲۳ هـ.ش درصد دانش آموزان دختر به کل دانش آموزان از ۱۶/۹ درصد به ۲۸ درصد افزایش یافت (سلماسی زاده و امیری، ۱۳۹۶: ۷۷). در سال

۱۳۰۶ هـ ش تعداد دانش‌آموزان همدان ۲۷۰۰ نفر بود. در گزارش فارغ التحصیلان مقاطع گوناگون مدارس همدان در سال ۱۳۰۷ هـ ش در مجموع ۷ مدرسه ابتدایی و ۳ مدرسه دوره متوسطه جمعاً تعداد ۱۳۹ نفر از این مدارس فارغ التحصیل شدند (نشریه گلگون، ش ۲۶ و ۲۵: ص ۴). در تیرماه ۱۳۲۰ تعداد دانش‌آموزان دوره ابتدای همدان ۷۹۶ نفر که از این تعداد ۵۸۱ پسر و ۲۱۵ دختر، دانش‌آموزان اول متوسطه ۲۰۵ نفر به تفکیک ۱۷۶ پسر و ۲۹ دختر و دانش‌آموزان پنجم متوسطه ۵۶ نفر که تماماً پسر بودند، ذکر شده است (روزنامه اطلاعات، ش ۴۵۷۸: ۱).

در آستانه اشغال همدان، شهر دارای ۳۰ دبستان دولتی و خصوصی، ۷ دبیرستان با احتساب مدرسه اتحاد پسران و دختران به صورت مجزا و یک دانشسرای مقدماتی دختران و پسران که در آن ۱۹ دختر و ۲۵ پسر تحصیل می‌کردند (روزنامه اطلاعات، ش ۴۵۷۸: ۱) بود. دانشسرای مقدماتی همدان که در سال ۱۳۱۶ ش افتتاح گردیده بود بعد از تخلیه شهر و پایان دوران جنگ از سال ۱۳۲۵ هـ ش به صورت شبانه‌روزی درآمد. از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۲ هـ ش تعداد دانش‌آموزان مراکز آموزشی همدان به علت شدن جنگ و اشغال شهر توسط متفقین کاسته شد. بعد از بیرون رفتن قوای متفقین تعداد آنها رو به افزایش نهاد. مدارس علمیه همدان مختص به طلاب دینی شامل سه مدرسه حوزه علمیه «آخوند همدانی»، «مدرسه دامغانی» و «مدرسه زنگنه» بود که در آن دروس دینی تدریس می‌گردید و علما و روحانیون بزرگ شهر در آن تدریس می‌کردند. از این اساتید حوزه می‌توان به «ناظم‌الشریعه»، «شیخ الاسلام» و «مدرس‌زاده» اشاره کرد. در یک دسته بندی مراکز آموزشی همدان در دوران حضور متفقین می‌توان عملکرد و پیامدهای جنگ بر آنها را این گونه ترسیم کرد:

۱- دولتی

در دوره پهلوی تعداد مدارس وابسته به دولت به نسبت مدارس خارجی با سرعت زیادی در حال گسترش بود و سیاست دولت افزایش و گسترش این مراکز در رقابت با دیگر مدارس بود. با توجه به سابقه این نوع مدارس مردم استقبال زیادی از آنها می‌کردند. با این سیاست دولت در تاسیس این

نوع از مدارس و کم شدن تعداد مدارس خارجی و تبدیل آنها به مدارس دولتی بر تعداد دانش آموزان مدارس دولتی افزوده شد. برخلاف دوران گذشته فعالیت آنها محسوس و چشم گیر بود و نقش مهمی را در امر تعلیم و تربیت منطقه ایفاء می کردند. وجود کادر تحصیل کرده، امکانات و برنامه های جنبی، وجود مقررات یک پارچه در اداره و مدیریت آن و قدمت برخی از این مدارس از دیگر ویژگی های مدارس دولتی در همدان بود. با حادث شدن جنگ افزایش تعداد این مراکز ادامه یافت اما عملکرد آموزشی آنها تحت نظارت متفقیین به خصوص انگلیسی ها قرار گرفت و به طور موقت تعطیل شدند و عملاً هیچ فعالیت آموزشی در آنها انجام نمی شد. متفقیین چندان با فعالیت این نوع مدارس در دوره اشغال شهر موافق نبودند. یکی از مهم ترین این مدارس دبیرستان «پهلوی» بود. هسته اولیه این دبیرستان با تفکیک شدن مقطع متوسطه مدرسه نصرت شکل گرفت.

۲- ملی

مدارس ملی به همت فعالان فرهنگی و تحصیل کردگان همدانی و یا به عبارتی افراد دلسوز حوزه تعلیم و تربیت دایر شدند. با ترویج و عمومیت یافتن امر آموزش و پرورش و جایگزینی این مدارس به جای مدارس قدیمی و دلسوزی و ترقی خواهی افراد تحصیل کرده و روشنفکر همدانی، همزمان با دیگر نقاط کشور، همدان از جمله پیشگامان این نوع مدارس بود که با هدف رشد و تعالی دانش آموزان تاسیس می شد. این مدارس بعدها پایه و اساس مدارس دیگر شدند که تاکنون برخی از آنها به فعالیت خود ادامه می دهند. به تدریج با گسترش و رشد مراکز دولتی، تعداد این نوع مدارس در همدان کمتر شد اما با این حال مدارس ملی نقش مهمی در تعلیم و تربیت داشتند. مردمی بودن این مدارس، علاقه و عشق بانیان و موسسان آن به امر آموزش و پرورش و رشد فرهنگی جامعه با وجود سرمایه اندک، استقبال فراوان محصلین و دانش آموزان از این مدارس و تاثیرات زیاد این مدارس در محصلین و دانش آموزان از دیگر خصوصیات این نوع مدارس در همدان به شمار می آمد. برخی از تحصیل کردگان این مدارس بعدها خود از بانیان مدارس جدید در همدان گردیدند و بعضی از آنها در راس خدمات فرهنگی و آموزشی قرار گرفته و مصدر کارهای ارزنده ای برای شهر و منطقه شدند.

در این دوره مدارس زیادی توسط خیرین و معارف خواهان شهر تاسیس گردید که بیشتر دارای سابقه آموزش دینی بودند و با مدارس دولتی و مدارس اقلیت‌های دینی رقابت می‌کردند. در یک اقدام فرهنگی، جمعی از اهالی معارف اقدام به تاسیس یک باب مدرسه نسوان در یکی از محلات قدیمی شهر نموده مبلغی به عنوان اعانه از اهالی محل و خود جمع کرده و لوازمات بدوی را تهیه نمودند (نشریه گلگون، ش ۴۲: ص ۴). هر چند که افتتاح این مدرسه به خاطر کمبود بودجه با تاخیر انجام گرفت، اما همین مدارس با مشکلات متعددی دست و پنجه نرم می‌کردند که باعث پایین آمدن کیفیت آموزش و نامناسب بودن مکان آموزشی می‌گردید. در آستانه جنگ جهانی دوم و اشغال همدان توسط متفقین بیشتر این دست مدارس همدان وضع مناسبی از لحاظ امکانات و استحکام بنا نداشتند به این خاطر در فصول بارندگی صدمات زیادی بر پیکره این مدارس وارد می‌شد که معمولاً با اقدام به موقع حداقل از خسارت جانی دانش آموزان و معلمان جلوگیری به عمل می‌آمد. در مکاتبه اتحادیه تجار همدان در کمبود بودجه معارف همدان با دولت مقرر می‌گردد از سوی وزارت معارف و اوقاف برای تاسیس مدارس جدید در همدان از محل صدی نیم مالیات املاک اربابی مبلغ ۴۶۹۴۰ قران به تناسب مالیات مستقیم همدان به بودجه معارف همدان اضافه شود (مختاری اصفهانی، ۱۳۸۰: ۲۴۹/۱). در زمان اشغال شهر خیلی از این دست مدارس به سبب نداشتن مکان مناسب و اعتبارات لازم و بر مبنای سیاست‌های آموزشی دولت تعطیل شدند و یا جای خود را به مدارس دولتی دادند. از مدارس ملی معروف این زمان همدان می‌توان به «شرافت» و «نصرت» اشاره کرد.

۳- مدارس خارجی

مدارس خارجی و یا مدارس اقلیت‌های دینی و مذهبی آن دسته از مدارس نوینی بودند که توسط ماموران فرهنگی و سیاسی و یا مبلغان و میسیونرهای خارجی در همدان ایجاد گردید. به غیر از افراد آمریکایی مقیم همدان دیگر کشورهای بیگانه و ماموران آنها چندان در حوزه آموزش فعالیت نداشتند. انگلیس و شوروی در پی فعالیت‌های سیاسی و اقتصادی و نظامی در شهر چندان به

دنبال فعالیت‌های فرهنگی و آموزشی در قالب ایجاد مدارس و مراکز آموزشی نبودند و این قبیل فعالیت‌ها با اهداف آنان چندان همخوانی نداشت. اولین مدارس همدان به سبک جدید توسط همین خارجی‌ان و اقلیت‌های دینی و مذهبی تاسیس گردید. در ابتداء این مدارس تنها به محصلین و دانش‌آموزان اقلیت‌های دینی اختصاص داشت اما به تدریج با تاسیس و ریشه گرفتن این مدارس، استقبال مسلمانان شهر از این مدارس نیز بیشتر شد و محصلین و دانش‌آموزان مسلمان می‌توانستند در این مدارس به تحصیل بپردازند. این استقبال مسلمانان همدان از مدارس اقلیت‌های دینی بیشتر از سوی متمولین و ملاکین و بزرگان بود و طبقه متوسط و پایین شهری چندان روی خوشی به این مراکز از خودشان نشان نمی‌دادند. ایجاد مدارس توسط خارجی‌ان به خصوص میسیونرها و مبلغان آمریکایی هدف تبلیغی، سیاسی و مذهبی داشت و در آن می‌کوشیدند تا محصلین و مخاطبین خود را به سوی اهداف و برنامه‌های خود متمایل نمایند. علاوه بر این از ویژگی‌های دیگر این نوع مدارس داشتن تشکیلات منظم و مرتب و گسترده با برنامه‌های مشخص و فوق برنامه، امکانات مناسب و فراوان، عمر و دوام طولانی در عرصه فعالیت آموزشی، ارایه خدمات رایگان آموزشی و بهداشتی و حتی کمک‌های بلاعوض مالی به خانواده‌های محصلین و ساکنان شهر و جلب محصلین فراوان رامی‌توان ذکر نمود. مدرسه دخترانه و پسرانه اتحاد (آلیانس) که توسط فرانسویان اداره می‌شد، مدارس دخترانه و پسرانه آمریکایی‌ها که توسط میسیونرهای آمریکایی راه‌اندازی شده بود و مدرسه آرامنه شهر و مدرسه «تایید» از عمده‌ترین مدارس خارجی و مربوط به اقلیت‌های دینی و مذهبی همدان بودند. بر اساس تصمیم دولت این مدارس در اواخر حکومت پهلوی اول از تحت حمایت خارجی‌ان بیرون آمدند و به صورت مدارس دولتی به کار خود ادامه دادند. در سال ۱۳۱۹ هـ.ش تمامی این مدارس، دولتی اعلام شدند (آوری، ۱۳۷۷: ۱۸۸/۲). با کاسته شدن این تشکل‌های آموزشی، مدارس دولتی جای آنها را گرفتند. تا زمان حادث شدن جنگ جهانی دوم تعداد این مدارس در همدان به پایین‌ترین حد خود رسید اما بعد از جنگ تعداد و اختیارات آنها به مانند گذشته شد و رو به افزایش نهاد.

۳-فترت مطبوعات همدان

رکودی که بر فعالیت مطبوعاتی همدان از دوران رضاشاه حاکم گردید تا اشغال همدان توسط متفقین ادامه یافت و در این دوران به ندرت نشریه‌ای در همدان منتشر گردید. با استقرار سلطنت رضاشاه بسیاری از مطبوعات به تعطیلی کشانده شد و رابطه چند روزنامه باقی مانده با حکومت پهلوی از همکاری به وابستگی کامل تبدیل گردید (عالی‌زاده و دیگران، ۱۳۹۶: ۲۷). به این خاطر مطبوعات این دوره عمدتاً تابعی از قدرت سیاسی بودند و اندک فعالیت‌هایی که مطبوعات مستقل و منتقد علیه قدرت انجام می‌دادند محدود و متوقف شد (منوچهری، ۱۳۸۸: ۳۵۱). براساس این شرایط، تعداد روزنامه‌های منتشره طی سلطنت رضاشاه یعنی از سال ۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰ هـ.ش از حدود ۱۵۰ به ۵۰ نشریه کاهش یافت (کمبریج، ۱۳۸۸: ۴۴۵/۷). کوتاهی عمر اغلب نشریات، فقدان فعالیت مطبوعاتی مستمر، تعداد اندک روزنامه‌نگاران در فضای استبدادی و نظارت و اقدام قهری از ویژگی‌های مطبوعات این دوره محسوب می‌شد. بخاطر این که استبداد رضاخان برای مطبوعات ناآشنا بود و به همین دلیل او باید شخصاً با آنها برخورد می‌کرد (نوازی، ۱۳۸۳: ۱۲). حکومت به هر طریقی سعی می‌کرد مطبوعات را بی‌اعتبار جلوه دهد و در اعلامیه‌های رسمی به تضعیف مطبوعات می‌پرداخت (بیگدلی، ۱۴۰۰: ۱۹).

در دوران پهلوی اول تا زمان حادث شدن جنگ جهانی دوم وضعیت و احوال مطبوعات محلی همدان، همانند مطبوعات سراسری با شرایط و وضعیت کلی مملکت و تحولات آن ارتباط مستقیمی داشت و نظام دیکتاتوری و پیامدهای آن مثل سرکوب، اختناق، سانسور بر چهره مطبوعات همدان سایه افکند. در تاریخ ۱۳۲۱/۱۰/۵ دولت طبق قانونی که «راجع به جراید به تصویب مجلس شورای ملی رسیده که در امتیازات آنها باید تجدید نظر شود» از استانداران و فرمانداران می‌خواهد از نشر جراید جلوگیری نمایند تا از طرف وزارت فرهنگ دستور لازم طبق مقررات قانون جدید داده شود (سازمان اسناد و کتابخانه ملی، س.ش: ۰۰۳۲-۰۳۵۹۱۰-۳۱۰). در پی این ابلاغیه اغلب شهرها منجمله همدان اعلام می‌دارند که هیچ‌گونه نشریه‌ای در این ایام منتشر نمی‌شود. به این خاطر دوران پهلوی اول برای تاریخ و جریان مطبوعات همدان را باید دوره فترت

نشریات و روزنامه نگاری نام گذاری کرد چرا که در زمان رضاشاه تا زمان اشغال همدان به ندرت نشریه‌ای در این مدت انتشار یافت. در فاصله زمانی ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ هـ.ش یعنی در زمان پهلوی اول به سبب ایجاد شرایط احتناق در این مدت بیست ساله فقط ۴ نشریه در همدان منتشر گردید. از سال ۱۳۰۹ که نشریه «کمالی» در همدان منتشر گردید تا سال ۱۳۲۰ هـ.ش در فاصله ۱۱ سال هیچ نشریه‌ای در همدان منتشر و یا اجازه نشر نیافت.

با توجه به فضای باز سیاسی شکل گرفته در سال‌های پایانی جنگ، فعالیت‌های مطبوعاتی در همدان افزایش و چند نشریه در همدان اجازه انتشار یافت. این افزایش تعداد و عملکرد انتقادی نشریات که از شهریور ۱۳۲۰ شکل گرفته بود چندان دوامی نیافت و خیلی زود سیر قهقرایی در نشریات و ساختار مطبوعاتی همدان اتفاق افتاد. در طی این سال‌ها نشریات همدان هم از نظر تعداد اندک بودند و هم در فاصله زمانی بسیاری از یکدیگر منتشر می‌شدند که البته خیلی هم زود از گردونه حیات مطبوعاتی خارج شدند. علت عمده عدم انتشار نشریه در همدان، حادث شدن جنگ جهانی دوم بود. در سال ۱۳۲۵ هـ.ش پس از یک وقفه چند ساله به خاطر شرایط جنگ و اشغال همدان توسط متفقین، ۶ نشریه در همدان وارد بازار نشر گردید. در این دوره زمانی از مجموع ۹ نشریه، یک نشریه به صورت یومیه به نام «بولتن روزانه» کنسول انگلیس در همدان و تعداد ۸ نشریه به صورت هفتگی (دو شماره در یک هفته، هفتگی و دو هفته نامه) که اغلب آنها به صورت عمومی در زمینه سیاسی و اجتماعی و در قطع روزنامه بود، در همدان منتشر می‌شد. «بولتن روزانه» (بولتن) یا خبرنگار سیاسی در سال ۱۳۲۱ هـ.ش توسط کنسول انگلیس در همدان منتشر شد. این بولتن روزانه در ۲ صفحه در چاپخانه کیمیای همدان چاپ و منتشر می‌شد و مطالبش صرفاً تبلیغات علیه آلمان نازی بود و تا پایان جنگ جهانی دوم انتشار آن ادامه داشت. گویا تا پایان جنگ این نشریه به طور نامنظم منتشر می‌شد (اذکایی، ۱۳۷۳: ۱۵۳). شماره اول روزنامه «سپیده» یکی از نشریات دوران پایانی جنگ در روز یکشنبه ۱۵ آذر ۱۳۲۵ به صاحب امتیازی فتح‌الله مشیری در ۴ صفحه ۵ ستونی در همدان و در چاپخانه میهن منتشر شد. روش نشریه علمی، ادبی، تاریخی و فکاهی بود و به صورت هفتگی منتشر می‌شد. نشریه سپیده وابسته به حزب دموکرات ایران شعبه همدان بود. در سرمقاله شماره اول، مدیر مسئول آن به بیان دیدگاه‌ها و خط و مشی

نشریه می‌پردازد: «روزنامه سپیده علم‌دار مبارزه با تمام مفسدگی است که اقوام ایرانی را از مشی در طریقه‌ای که سایر اقوام را به سعادت نزدیک نموده، بازداشته و موجبات انحطاط قومی و ملی ما را فراهم کرده روزنامه سپیده طرف‌دار تکاملی است که اساس آن روی فرهنگ و تعلیمات عمومی و اجباری بنا شده باشد و در عین اعتقاد به اصول قومیت و ملیت ایرانی و لزوم محفوظ ماندن تمام سنن و رسوم حسنه دیرین ایرانی، قایل به لزوم اتحاد و قبول آن قسمت از رسوم و آدابی است که منافات با ملیت و سوابق قومی و نژادی و ذوق لطیف ایرانی نداشته باشد و به تدریج که علوم عصری متداول و معمول و مورد قبول واقع می‌شود آداب و رسوم و ترتیبات مذکور همچنین معمول گردد. در عین حال، روزنامه سپیده جداً مخالف با هر گونه روش افراطی است که به مذاق بعضی از هم‌وطنان خوش آمده و اصلاحات را فقط در اتخاذ روش‌های افراطی ممکن‌الوصول می‌دانند.» (روزنامه سپیده، ش اول، ۱۳۲۵: ۱).

نشریه «راهنما» وابسته به حزب توده شعبه همدان بود. اولین شماره این نشریه در مردادماه سال ۱۳۲۵ در همدان و به صورت هفتگی در ۴ صفحه با مطالب سیاسی، اجتماعی، علمی و ادبی نشر می‌یافت که به سبب گرایش به حزب توده، پس از ۱۸ شماره در آذرماه همان سال تعطیل گردید. فرمانداری همدان در خصوص عقاید و اقدامات مدیرمسئول این نشریه چنین گزارش می‌دهد: «آقای دکتر میرسپاسی رئیس دامپزشکی همدان که ضمناً مدیر روزنامه راهنما ارگان حزب توده و از مبلغین افراطی و رهبر حزب توده همدان است. از چندی قبل در روزنامه محلی به یک عده از محترمین شهر من جمله به آقای بنی‌صدر که یکی از علما و مورد احترام اهالی است توهین نموده، اهانت ذکر نامبرده مخصوصاً به آقای بنی‌صدر در افکار عمومی تولید کدورت و انزجار کرده است. ... وی در دهات رعایا را بر علیه مالکین تحریک نموده و تبلیغات سوئی در بین اشخاص و رعایای ساده‌لوح می‌کنند که سرانجام در اثر تذکرات تحریک‌آمیز و تبلیغات مضره نامبرده موجبات اختلافات شدید بین کشاورزان و مالکین فراهم شده است» (سازمان اسناد و کتابخانه ملی، ش: ۳۱۰/۶۱۶۶۳). علاوه بر این نشریات در زمان تخیله شهر از سوی متفقین

نشریاتی دیگر چون «آروننگ»، «بهترین خواندنی‌ها»، «نصرت»، «اروند»، «الوند» (الوند دوم) و «گلچین مطبوعات» منتشر می‌شدند.

ویژگی نشریات

از ویژگی‌های نشریات همدان در زمان پایان جنگ جهانی دوم و تخلیه شهر می‌توان تا حدودی به رشد سیاسی و اجتماعی نشریات اشاره کرد. در این دوره اغلب نشریات همدان گرایش شدیدی به سیاست و اخبار و حوادث دولت و ملت پیدا کرده و مباحث شکل‌های سیاسی و پیامدهای اقتصادی و اجتماعی حضور متفقین در ایران بیشترین حجم صفحات نشریه را به خود اختصاص داده بود. از سوی دیگر توجه به تحلیل و بررسی حوادث سیاسی و اجتماعی جامعه بیش از گذشته مورد توجه اربابان جراید محلی قرار گرفت. در این عصر برخلاف عرف گذشته به جای استفاده از الفاظ مصنوع و سنگین و آرایه‌های ادبی، استفاده از الفاظ ساده و زبان محاوره‌ای و مردمی معمول گردید که همین موجب گرایش مردم همدان به نشریات محلی شد. در این دوره قشر تحصیل کرده اخبار خود را بیشتر از نشریات محلی پیگیری می‌کردند و پیوند مستحکمی بین آن‌ها برقرار شده بود و مطبوعات محلی تا حدودی جایگاه خود را در بین اقشار مختلف جامعه به دست آورده بودند. با توجه به رشد و ترقی وسایل چاپ و تجهیزات چاپخانه‌های همدان به دستگاه‌های جدید چاپ، کیفیت ظاهری نشریات به مراتب بهتر و شیوه، زمینه و ترتیب نشریات از سوی اربابان جراید به نسبت پیشین، بهتر رعایت می‌گردید.

به سبب این که اکثر این نشریات به صورت هفتگی و دوهفته‌نامه منتشر می‌شد، در کنار اخبار و ذکر حوادث، درج مطالب ادبی و فرهنگی و تحلیل مسائل روز کشور در شرایط اشغال بیشترین حجم صفحات را به خود اختصاص می‌داد. بیان مباحث باستانی و تاریخی ایران اغلب مورد علاقه مدیران نشریات بود و این مباحث فراوان در نشریات درج می‌شد. نشریات همدان در این زمان برخلاف دوره قبل از خود که به محافل ادبی و فرهنگی و صنوف وابسته بودند، با توجه به شرایط سیاسی جامعه و تشکیل احزاب و تشکل‌های گوناگون، بیشتر به ارگان‌ها، احزاب و گروه‌های سیاسی نظیر حزب توده، حزب رستاخیز، حزب دمکرات، ارگان دهقانان و... گرایش داشته و آراء، عقاید و مرام حزبی خاص خود را تبلیغ و معرفی می‌کردند که همین وابستگی‌ها و رویه افراطی

برخی از آن‌ها باعث تعطیلی این نشریات هم می‌گردید. از لحاظ سوابق تحصیلاتی در رشته‌های مربوط به روزنامه‌نگاری، تمامی دست‌اندرکاران مطبوعات استان شامل صاحب‌امتیاز و مدیر در این دوره فاقد تحصیلات در رشته‌های مرتبط و حتی آموزش‌های لازم در این حرفه بودند و اکثر اربابان جراید را نویسندگان و رؤسای ادارات تشکیل می‌دادند که صرفاً به دلیل علاقه و تفنن به کار روزنامه‌نگاری روی آورده بودند.

معمولاً لوگو و سرلوحه نشریات منتشر شده به عنوان حالتی متوازن و تزئینی در وسط صفحه اول قرار داشت. اما به نسبت نشریات پیشین فضای کمتری به این موضوع و توضیحات و سرشناسه نشریه داده می‌شد و معمولاً با تزئینات کمتری همراه بود. اغلب لوگو نشریات خوشنویسی و جز تعدادی از آن‌ها، به صورت ساده‌ای طراحی شده بودند. طراحی لوگو نشریات این دوره به نسبت نشریات قبلی از لحاظ زیبایی و استفاده از نمادهای هنری و مفهومی فاقد اعتبار و اهمیت هنری و طراحی بود و اغلب به صورت ساده بسته شده و اغلب بدون تصویر و طرح بود. استفاده از تیر جای خود را در نشریات این دوره باز کرده بود و هرچه از شرایط جنگ دور می‌شویم سرتیتر یا تیترهای اصلی و درشت‌تر مرسوم و معمول گردید؛ اما صفحه‌بندی و ستون‌بندی نشریات به‌مانند دوره گذشته بود و کمتر تغییرات مناسب و عمده‌ای در آن اتفاق افتاده بود و صفحه‌بندی نشریات بدون قاعده و استفاده از شیوه منظم میان هم و بدون فضای خالی و تزئینی انجام می‌پذیرفت. صفحه‌بندی نشریات این دوره به صورت ساده با توجه به اهداف مدیران نشریه انجام می‌گرفت و چندان به صورت حرفه‌ای طراحی نمی‌شد. وجه غالب حجم صفحات را نوشتار تشکیل می‌داد و ویژگی‌های تصویری در آن‌ها کمتر به کار گرفته می‌شد. در بیشتر صفحات اول و صفحات داخلی از هیچ‌گونه تصویری در کنار اخبار و مطالب نشریه، استفاده نمی‌شد. در این ویژگی‌های ظاهری ذکر شده به خوبی تأثیرات اوضاع جنگ بر نشریات منتشره در این زمان همدان را می‌توان تشخیص داد. اشغال بیشتر صفحات نشریات به اخبار جنگ و پیامدهای اقتصادی آن، وضعیت شهر و مردم

در این روزگار، کم شدن شمارگان آن، رونق کم بازار جراید، پائین بودن کیفیت چاپ و ظاهر نامناسب آن همگی از نشانه‌های جنگ بود که بر مطبوعات آن دوره تاثیر گذاشته بود.

۴- انجمن‌های ادبی

تعداد انجمن‌های ادبی و فرهنگی همدان در عهد پهلوی اول که به صورت خودجوش در منازل و مکان‌های اداری تشکیل می‌شدند، چندان زیاد نبود و حکومت با فعالیت آنها و حضور شاعران مخالف خود چندان میانه‌خوشی نداشت. در کنار این انجمن‌های خودجوش ادبی در برخی از مدارس به خصوص مدارس متوسطه به همت معلمان ادبی و علاقه‌مند به شعر و شاعری، جلساتی تشکیل می‌گردید. اغلب موسسین این تشکلهای دانش‌آموزی همان شاعران و اعضاء انجمن‌های ادبی شاغل در اداره فرهنگ بودند. این تشکلهای در کنار فعالیت ادبی به اجراء برنامه‌های هنری نیز می‌پرداختند. تا زمانی که کانون پرورش افکار دایر و پا برجا بود و جنگ باعث تعطیلی فعالیت‌های آن نشده بود اغلب فعالیت‌های این کانون در همدان شامل برپایی جلسات ادبی با حضور معلمان به خصوص دبیران ادبیات بود که فراتر از انجمن‌های ادبی موضوع‌هایی چون آشنایی با ادبیات جهان و ایران، قرائت مقالات ادبی و نقد و بررسی نحله‌های ادبی روز کشور در آن مطرح می‌شد؛ «...در انجمن دبیرستان پهلوی آقای «آزاد» دبیر ادبیات به موضوع تقویت روح ملی پرداخت...» (روزنامه اطلاعات، ش ۴۵۲۶: ۸). «...در دیگر برنامه آقای «هدایتی» در باب آثار سعدی سخنرانی نمود» (همان، ش ۴۴۹۴: ۸). بیشترین مخاطبان این برنامه‌ها دبیران ادبیات و شاعران و نویسندگان شهر بودند. تا حد زیادی فعالیت‌های ادبی کانون پرورش افکار تحت تاثیر جنگ قرار گرفت و در اجراء برنامه‌های آن وقفه طولانی ایجاد شد.

در آستانه جنگ و دوران منتهی به اشغال همدان توسط متفقین، سه انجمن ادبی - فرهنگی در سطح گسترده و به صورت منظم در شهر دایر و فعال بودند که تا زمان حادث شدن جنگ این انجمن‌ها به صورت منظم جلسات خود را تشکیل داده و شاعران و نویسندگان همدان و میهمانانی از دیگر شهرها در آن شرکت می‌کردند. از این سه انجمن ادبی یکی از آنها به نام «اتحاد» تا قبل

از حادث شدن جنگ جهانی دوم فعالیت چندانی نداشت و تعطیل گردید. حادث شدن جنگ و اشغال همدان در فعالیت دیگر انجمن‌های ادبی شهر وقفه ایجاد نمود و فعالیت و تشکیل جلسات آنها را به حالت نیمه تعطیل و یا نامنظم درآورد و اغلب اوقات در این زمان جلسات آنها به صورت زیر زمینی در منازل اعضاء با حضور تعداد کمی تشکیل می‌شد. حضور بیگانگان چندان اجازه فعالیت مستمر به آنها را نداد و فعالیت آنها متوقف شد. ایجاد وقفه طولانی در فعالیت انجمن‌های ادبی باعث رکود و عدم فعالیت مستمر اصحاب ادب گردید. در زمان جنگ این مراکز علاوه بر فعالیت‌های ادبی و فرهنگی، کارکردهای دیگری را هم تجربه کردند. در این دوران مکان‌های تشکیل جلسات آنها به یکی از مهم‌ترین مراکز مخالفت با اقدامات بیگانگان به خصوص نیروهای متفقین و مرکز اطلاع‌رسانی و به دست آوردن اخبار جنگ و تبادل افکار تبدیل شد که عمده مباحث آنها را دغدغه‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی ناشی از جنگ تشکیل می‌داد.

از سوی دیگر جنگ و تاثیرات آن نحله تازه‌ای را بر روی شاعران این دوره همدان گشود که آن را می‌توان «ادبیات جنگ و بیگانه ستیزی» نام گذاری نمود. شرایط جنگ باعث گردید که اغلب تولیدات انجمن‌های ادبی به شرح مشاهدات آنها از این اوضاع اختصاص یابد و در قالب نظم و نثر روزگار خود و مردم را تشریح کنند و در جمع‌های نیمه رسمی به قرائت آنها بپردازند. یکی از بارزترین شعر بیگانه ستیزی این است که وقتی شاعر حضور بیگانگان را در سرزمین خود احساس می‌کند به عناصر ملی و دفاع از میهن در آثارش توجه خاصی داشته باشد (داوری، ۱۳۹۶):

۴۲). توصیف اوضاع مردم و شهر در ایستادگی و مقابله با متفقین بهترین دست مایه برای شاعران همدانی بود تا به زبان شعر این اوضاع را که باعث دگرگونی روند عادی آن شده بود و شرایط خاصی را به وجود آورده بود برای آیندگان به عنوان شاهد این دوران ضبط و ثبت نمایند اما شاعران و افراد تحصیلکرده به خوبی از این فضا و شرایط استفاده نکرده و پیامدهای جنگ در آثار آنها چندان نمود نیافت. به این خاطر اکثر آثار آنها در همان فضای انجمن‌های ادبی باقی ماند و این دایره ادبی همدان کمتر به درک درستی از آلام و نیازهای جامعه خود رسید. هر چند

نمود و بروز و ظهور این نحله در دیوان اشعار شاعران همدانی این دوره چندان نیست و ما دسترسی به اشعار دیگر اعضاء انجمن‌ها نداریم اما می‌توان اذعان نمود که این نوع شعر جنگ و بیگانه ستیزی شاعران همدان در جریان نهضت آزادی و ملی شدن صنعت نفت خود را به خوبی و در مقیاسی گسترده نشان داد. تا حدودی سیاسی شدن برخی از شاعران و پیوستگی و تمایل به احزاب تشکیل شده در زمان اشغال همدان چون حزب توده، حزب دموکرات و ... ناشی از پیامدهای جنگ، اقدامات متفقین و شرایط نامناسب این دوران بود. با این حال در زمان جنگ این انجمن‌های ادبی و فرهنگی مرکز پشتیبانی از مردم و نیازمندان محسوب نمی‌شدند و کمتر اعضاء این تشکلهای به حوزه امداد رسانی و کمک‌های مردمی در این زمان ورود کرده و به فعالیت پرداختند. به نظر می‌رسد فقدان شاعران مردمی که از پشتوانه زیادی در بین تمامی اقشار جامعه برخوردار باشند در این کم رنگ بودن تاثیرات انجمن‌ها نقش زیادی داشته است. در مقابل هم کم توجهی قشر فرهنگی و تحصیلکرده باعث گردید مردم نیز با آنان چندان ارتباط محکم و مستمر برقرار نسازند.

«غمام همدانی»^۱ (۱۳۶۱ق-۱۳۲۱ش) به‌ضرورت جامعه و متأثر از انجمن‌های ادبی کشور «انجمن اتحاد» را تاسیس کرد. هدف غمام از تشکیل این انجمن ایجاد یک نهاد چند وجهی بود. البته اعتقادات و اندیشه‌های صوفیانه وی نیز در مرامنامه انجمن و تشکیل آن دخیل بود. علاوه بر اندیشه‌های صوفی‌گرایانه و سنتی در آزادی خواهی و بیگانه ستیزی، همان قدر اعتقادات دینی وی نیز در مرام و اندیشه‌های انجمن نقش داشت (دیوان غمام، ۱۳۴۰: ۱۵). بیشترین دغدغه اصلی انجمن بهبود وضعیت فرهنگی شهر و مردم بود. اغلب اعضاء این انجمن از افراد مردمی و خوشنام فرهنگی - ادبی که بیشتر خاستگاه اداری و آموزشی داشتند را شامل می‌شد. فعالیت این انجمن با رفتن غمام به تهران زودتر از سال ۱۳۲۱ ه.ش، زمان مرگ او پایان یافت و عمر فعالیت این انجمن به زمان جنگ جهانی دوم و اشغال همدان نرسید اما پرورش یافتگان این انجمن اغلب شاعران مطرح دوران جنگ جهانی دوم را تشکیل می‌دادند که در پس اشغال شهر در

۴- محمد یوسف زاده متخلص به غمام، فرزند سید یوسف مجتهد همدانی.

فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی برخی از آنها نقش تاثیرگذاری داشتند. انجمن ادبی اتحاد صرفاً یک محفل ادبی نبود که اعضاء در گرد آن به قرائت اشعار خود بپردازند و با یکدیگر دیدار تازه کنند، بلکه یک تشکل اجتماعی بود که دغدغه مردم را داشت و در فاصله جنگ جهانی اول تا جنگ جهانی دوم مسبب اقدامات عام‌المنفعه و فعالیت‌های گوناگونی در آبادانی همدان بود و عامل موفقیت آن مقوم به شخصیت و ویژگی‌های غمام موسس آن بود. غمام در پیشبرد فعالیت‌های انجمن از تمامی ابزارهای فرهنگی و آموزشی استفاده می‌کرد. در کل گرایش ادبی و فرهنگی این انجمن بیشتر از گرایش سیاسی بود و همفکران و اعضاء این انجمن بیشتر مروجین فعالیت‌های فرهنگی، ادبی و آموزشی بودند که به اعتدال فعالیت می‌کردند و به سیاست‌چندان روی خوش نشان نمی‌دادند. انجمن اتحاد دارای تشکیلات و سلسله مراتب منظم نبود.

عده‌ای معتقدند «انجمن ادبی همدان» به همه انجمن‌های فعال این شهر اطلاق می‌شده است و یک انجمن مشخص با یک ساختار منظم نبوده است. برخی هم این انجمن را یک انجمن مستقل دانسته که در زمان قبل و بعد از جنگ وجود داشته و افراد زیادی در آن شرکت می‌کرده‌اند. مهدی درخشان در باب تاریخچه انجمن‌های ادبی همدان به شرح این انجمن با نام «انجمن ادبی همدان» پرداخته است (درخشان، ۱۳۴۲: ۱۳/۲). در صورت جلسات بدست آمده عیناً با مشخصات اعضاء انجمن ادبی همدان نام انجمن بر روی این صورت جلسات «انجمن دانش» ذکر شده است (جهانپور، ۱۳۹۶: ۱۶۳). در اخبار و فعالیت‌های ادبی زمان اشغال شهر اغلب به نام انجمن ادبی همدان اشاره و در منابع اسامی خیلی از اعضای آن که در دیگر انجمن‌ها هم حضور داشته‌اند، ذکر شده است. با این که برخی «انجمن همدان» را همان «انجمن دانش» ذکر کرده‌اند به نظر می‌رسد این انجمن در کنار انجمن دانش از انجمن‌های ادبی و فرهنگی زمان جنگ در همدان بوده که اعضاء آن با انجمن دانش مشترک بوده‌اند. برخلاف انجمن دانش، در زمان جنگ جهانی دوم نام و فعالیت انجمن همدان بیشتر ذکر شده است. انجمن ادبی همدان تا قبل از حادث شدن جنگ در همدان فعالیت منظم و گسترده‌ای داشته و افراد زیادی در جلسات آن شرکت می‌کردند

که گاهی به خاطر ازدحام جمعیت و زیادی اعضاء سعی می‌کردند جلسات آن را در منازل بزرگان شهر و یا در مراکز آموزشی و اداری برگزار نمایند. با این که در برخی از نشریات اشاره‌ای به برنامه‌های این انجمن در زمان جنگ شده، چنان که روزنامه اطلاعات در سال ۱۳۲۱ ه.ش گزارش می‌دهد: «انجمن ادبی همدان به یادبود پروین اعتصامی جلسه‌ای تشکیل داد و دانشمندان همدان درباره زندگانی این شاعره از نظم و نثر سخنرانی نمودند» (روزنامه اطلاعات، ۴۵۳۸: ۱)، جلسات انجمن در این زمان به صورت نامنظم ادامه داشت اما پس از تخلیه شهر توسط متفقین فعالیت این انجمن منظم‌تر گردید. برخلاف انجمن اتحاد فعالیت این انجمن صرفاً ادبی و فرهنگی بود و جلسات آنها در منازل افراد تشکیل می‌شد. در زمان جنگ و نیاز مردم شهر به حمایت‌های مادی و معنوی، اعضاء این انجمن چندان نقش موثری نداشتند. انجمن ادبی همدان مقوم به فرد خاصی نبود و از فرد مشخصی به عنوان موسس آن نمی‌توان نام برد. در هر دوره‌ای یکی از شاعران همدان متولی و ریاست این انجمن را به عهده داشته است. خود این عامل یکی از عواملی می‌تواند باشد که این انجمن در این دوره چندان موفق نبوده و نتوانسته است تاثیر گذاری مهمی در زمان جنگ در همدان داشته باشد. با این که خیلی از اعضاء این انجمن شاهد اتفاقات ناگوار جنگ و پیامدهای اقتصادی و اجتماعی آن بودند اما این تاثیرات در آثار آنها بازتابی نداشته است.

انجمن دانش برای بار سوم از فروردین ۱۳۲۰ تشکیل و تا مرداد ۱۳۲۳ فعالیت آن ادامه داشت (درخشان، ۱۳۴۲: ۱۳/۲). جلسات انجمن هر دو هفته یک بار در مدارس همدان و فضاهای فرهنگی شهر چون محل قدیم آرامگاه بوعلی و تالار شهرداری تشکیل می‌گردید. بین سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۱ ش دوران اولیه جنگ جهانی دوم، جلسات انجمن به ندرت و با حضور تعداد کمی از اعضاء ثابت آن برگزار می‌گردید. به تدریج که اوضاع شهر بهبود یافت تشکیل جلسات انجمن منظم‌تر و با حضور اعضاء بیشتری برگزار گردید و اغلب اشعار شاعران انجمن در این زمان بیشتر رنگ سیاسی و اجتماعی به خود گرفت (جهانپور، ۱۳۹۶: ۱۱۶). با توجه به همین شرایط جنگ و درگذشت بسیاری از اعضاء و شاعران پیشکسوت، انجمن دانش در سال ۱۳۲۳ ه.ش تعطیل گردید و اعضاء انجمن به دیگر تشکلهای ادبی و فرهنگی که پس از پایان جنگ تشکیل شده بود، پیوستند. اغلب اعضاء انجمن از فعالان حوزه آموزشی، فرهنگی و اجتماعی را شامل

می شدند. هر چند شرایط جنگ باعث گردید فعالیت انجمن دانش به صورت نامنظم و با اعضای کمتری تشکیل گردد و تاثیر گذاری انجمن در این برهه تاریخی کمتر گردد اما این نهاد خودجوش مردمی به عنوان یکی از تشکل های ادبی زمان جنگ همدان توانسته بود که شاعران را گرد خود آورده و فعالیت های ادبی را رونق ببخشد.

۵- بازتاب پیامدهای جنگ جهانی دوم در اشعار شاعران همدان

به نظر می رسد شاعران همدانی دوران جنگ جهانی دوم درک و احساس عمیق و درستی از وضع جامعه آن روزگار نداشته و در کلیه ابعاد اجتماعی و فرهنگی به یک احساس مشترک مردمی نرسیده اند. همدردی با مردم، بازتاب زمانه، ارتباط نزدیک با اجتماع، مردمی بودن از ویژگی های شعر اجتماعی و مبارزه است که شاعر در این عصر هم درگیر آن می شود و هم به قضاوت و داوری می نشیند. اغلب اشعار شاعران دوران جنگ درونمایه اجتماعی ندارد و اگر شعری اجتماعی در مجموعه اشعار این گروه آمده بیشتر روایت گری از اوضاع زمانه خود به زبان شعر است تا این که بیان کلی و نقد مسائل جامعه انسانی و امور مردمان روزگار خود باشد. این نکته به این معنی است که شاعران همدانی در این زمان چندان فعال اجتماعی نبوده و کمتر دغدغه جامعه و مردم خود را داشته و روایت کامل و درستی از این دوران از خود به جا نگذاشته اند. در جریان جنگ جهانی دوم و اشغال همدان به عنوان مهم ترین حادثه معاصر منطقه علیرغم این که اکثر شاعران در این حوزه کمتر قلم فرسایی کرده و به پیامدها و تحولات مهم این حادثه به ندرت واکنش نشان داده اند، با این حال می توان در آثار برخی از آنها اخبار و حوادث جنگ و تاثیرات آن را به صورت کلی مشاهده نمود:

«سید کاظم حسینی» متخلص به «داور» (۱۳۷۱-۱۳۰۰ ه.ش)، در جریان شهریور ۱۳۲۰ و اشغال همدان جوانی پر شور بود که با سرودن اشعار میهنی احساسات خود را در محافل ادبی نشان

می داد. بیشتر اشعار این شاعر در باب وطن و نوع دوستی می باشد. وی نسبت به اوضاع زمانه خود بیشتر از دیگر شاعران توجه داشته و به آنها حساس بوده و آنها را ضبط و ثبت نموده است. بیان او از اوضاع جنگ جهانی دوم در قالب شعر فاقد طراوت و جلالت است، این دسته از اشعارش چندان ظریف بیان نشده و خشک و بی روح می باشد. با این که شاعر در سرودن این اشعار قصد دارد یک همراهی و تسلابخشی در نزد مخاطب ایجاد نماید این نوع از شعر او مورد توجه همگان قرار نمی گیرد. او گاهی طنز را اهرم عقاید سیاسی و تضادهای اجتماعی و فرهنگی زمان خود قرار می داد. اشعار متعددی از او در باب پیامدهای جنگ در کشور و همدان باقی مانده است که در این آثار او هم به مسائل کلی جنگ جهانی دوم اشاره دارد و هم به ذکر مصادیقی از پیامدهای اقتصادی جنگ پرداخته است.

وی در قصیده‌ای حال و هوای خود را از تصرف ایران توسط قوای متفقین در شهریور ۱۳۲۰ این گونه بیان می کند:

تهران ازین وقایع شوم آن به من گذشت
ای کاش می شد از دلم آگه کسی که گفت:
کز باد مهرگان به گل یاسمن گذشت
دیروز خصم شوم ز مرز وطن گذشت

گردد دچار قحطی و تنگی و رنج و فقر
بر باد رفت خاک وطن ز آتش نفاق
هر کشوری کز او قدم اهرمن گذشت
این آب عاقبت ز سر مرد و زن گذشت

(دیوان داور همدانی، ۱۳۷۳: ۲۶-۲۵)

داور در شعری دیگر با عنوان عزاداری نان، در این شعر تماماً به پیامد جنگ در قحطی نان و جیره بندی آن پرداخته است:

پیر و جوان شهر عزادار نان شده
چیزی دگر کنید به جانان خود نثار
این درد سخت عارض پیر و جوان شده
زیرا که پست تر ز همه چیز جان شده
دیگر به خواربار مگوئید خواربار
زیرا عزیز جمله خلق جهان شده
گندم که بود سر سبد بازدانگان
یا رب چگونه جزء نهاندانگان شده
می خواستم که جان دهمت، نان دهم ترا
زیرا ز جان عزیزتر ای یار نان شده

بیکاره را مگوی: نیرزی به ارزانی
از بس که ای عزیز من ارزن گران شده
(همان: ۵۱۰)

«میرآقا مفتون کبریایی» (۱۲۶۸-۱۳۳۰ ه.ش)، بعد از وقایع شهریور ۱۳۲۰ و اشغال همدان با مشاهده برخورد قوای متفقین و فشارهایی که بر طبقات محروم وارد می شد با اشعار حماسی اش در وطن دوستی و آزادی خواهی مردم را به مقابله و ایستادگی در مقابل متفقین دعوت می نمود. به همین خاطر به اتهام همکاری با آلمان ها و مخالفت با سیاست های متفقین به خصوص نیروهای انگلیس مدتی به روستای «سوزن» تبعید شد. وی پس از بازگشت شهرتی به هم زد و در راه حفظ حقوق مردم کوشش نمود و با بیانات تند و سرودن اشعار مهیج به استیفای حقوق آنان پرداخت (درخشان، ۱۳۴۲: ۳۵۳/۲). مفتون به غیر از دو قصیده مبسوط که در باب تبعید خود سروده و به توصیف شرایط تبعید و علت آن پرداخته در شعری دیگر سخن از اوضاع و شرایط جنگ کرده است. هر چند موضوع شعرش جنگ است اما در این شعر به صورت غیرمستقیم و کلی به پیامدهای جنگ اشاره دارد:

تا شدم تبعید از شهر و دیار، ای آسمان
هر چه بر کار سیاست ها شدم نزدیک تر
تا چه شد از حبس بر تبعید من راضی شدم
.....

من نگریدم به خوان انگلستان کاسه لیس
من نرفتم زیر بار انگلیس نابکار
چون ز دارایی مرا چیزی نباشد جز سخن
کردی ام از سفره خود برکنار، ای آسمان
بایدم انداختن از کار و بار؟ ای آسمان
بایدم کردن به عالم خوار و زار؟ ای آسمان
(دیوان مفتون، ۱۳۷۸: ۱۲۶-۱۲۹)

۵- از توابع شهرستان درگزین همدان

مفتون در مسمطی به ترسیم جنگ جهانی دوم می‌پردازد:

باز در جو هوا بر اثر برق و بخار
دژ پرنده غرنده آدم او بار
دژ پرنده عیان گشت فزونتر ز شمار
که همه بمب اتم گشته در آنها انبار
سپه نازی دی از دمشان کرد فرار
همچو از متفقین جیش پروس و ژاپون

.....

باد نوروز گل و سبزه ترک و تاجیک
عهد بستند به هم در چمن آتلانتیک
متفقین همچو بریتانی و روس و آمریکا
که بتازند به فاشیست دی، تند و حرون

.....

همه را از ستم نازی دی کرد آزاد
پل پیروزی این جنگ شد و داد مراد
(همان: ۲۳۲)

«میرزا یعقوب الستی» متخلص به «ناهد» (۱۳۴۳-۱۲۶۶ ه.ش.)، با این که در برخی از اشعارش وضع زمانه خود و مباحث سیاسی روز را آورده در کل شاعری سیاسی و سیاست پیشه نیست. با این حال در ابیاتی چند به مذمت جنگ و اوضاع آن می‌پردازد. او در شعرش به پیامد جنگ در کمبود و گرانی قند و شکر اشاره دارد. این شاعر همدانی مانند دیگر شاعران که شاهد اشغال همدان توسط قوای متفقین بوده ترسیم و تصویری روشن از مردمان، شهر و اوضاع آنها در زمان جنگ در آثارش به دست نمی‌دهد. ناهید در شعر نایره جنگ ۱۳۲۰ اروپا بیشتر صحبت از اندرز و نصیحت دارد و کمتر در آن تصویری از اوضاع جنگ دارد:

جهان زد آفت جنگ آن چنان بهم زدنی
چه فتنه زیر سر این چرخ نیلگون دارد
که کس نمی‌شنود بوی صلح از دهنی
که هر که می‌نگرد مبتلاست در محنی

.....

کشد تنوره بر افلاک دود آتش جنگ
به برق چشم پر از خشم رو به جانب خصم
و یا بود اثر سوز آه پیرزنی؟
گشوده توپ شلندر چو اژدها دهنی

(دیوان ناهید همدانی، ۱۳۷۱: ۲۴۳)

ناهید به زبان طنز و با ابیاتی کوتاه به پیامد گرانی و کمبود قند و شکر در همدان اشاره دارد اما شعرش توصیف کاملی از این اوضاع نیست:

غم من، از کمی قند و شکر تنها نیست هر چه امروز مهیا نشود، فردا نیست

.....

به شکر خند تو سوگند که مثقالی قند چند روز است که در خانه ما پیدا نیست

چه کنم؟ غیر تو حاجت ز که باید طلبید؟ کان فیض است وجود تو، گناه از ما نیست

(همان)

«اسدالله صنیعیان» معروف به «صابر» (۱۲۸۲-۱۳۳۵ ه.ش)، در اشعارش بیشتر از دیگر شاعران هم عصر و هم زادگاهش به مباحث روز و مباحث سیاسی توجه داشته و در قصاید خود به ترسیم اوضاع زمانه و مهم‌ترین حوادث سیاسی و اجتماعی عصر خویش پرداخته است. حوادثی چون شهریور ۲۰، حمله قوای انگلیس و شوروی به ایران، حزب توده، خودمختاری آذربایجان در سال ۱۳۲۴، فرقه دموکرات، اقدامات نمایندگان همدان در مجلس و ... از مهم‌ترین آنهاست. وی با توجه به مشاهدات خود از حمله قوای انگلیس و شوروی به خاک ایران در شهریور ماه ۱۳۲۰ شعری در وصف حال ایران سروده است که در یک توصیف کلی به شرح ایران و مردم روزگار جنگ می‌پردازد:

دوش گفتم با یکی: این خانه فردا دست کیست؟

گفت: تا فردا نمی‌دانم که دنیا دست کیست

گفتمش: ما را مهمات و ذخائر در کجاست؟

گفت: در اینجاست. پرسیدم که: اینجا دست کیست؟

گفت: می‌گویم. تو هم بی‌پرده آگه کن مرا

در شمال غرب ما، تبریز و جلفا دست کیست؟

بیش از این امنیت ما گر به ناامنی کشد
راستی پیداست تکلیف رعایا دست کیست؟
شد به گیتی جنگ راهنگامه گرم از شش جهت
تا درفش فتح در میدان هیجا دست کیست؟
(دیوان صابر همدانی، ۱۳۶۱: ۵۰ و ۵۱)

در شعر دیگری صابر از شهریور ۱۳۲۰ و تجاوز نیروهای متفقین به ایران دوباره یاد می‌کند:

رشک برد آسمان به ما، که چرا جنگ را برکنار صف بودیم؟
آتش جنگ در اروپا بود ما از این واقعه در اسف بودیم

حمله بر ما شد از جنوب و شمال گر چه بی حمله هم تلف بودیم
تا از این ماجرا شویم خیر تیر بیداد را هدف بودیم

(همان: ۲۱۲ و ۲۱۳)

«حسن مدنی» مشهور به «صفاءالحق» (۱۲۹۷ق - ۱۳۴۰هـ.ش)، در بیان اوضاع شهر در زمان جنگ زبان به اعتراض برمی‌دارد و در بیانی مختصر به توصیف پیامدهای جنگ در همدان می‌پردازد. او در این نوشتار تصویری جزئی و مستقیم از تأثیرات جنگ ارائه می‌دهد. با این حال اوضاع مردم و روزگار جنگ آن قدر که در آثار منشور او مورد توجه است در آثار منظومش کمتر مورد توجه قرار گرفته است. بعد از بمباران همدان و فراری شدن رضاشاه و تهاجم متفقین به همدان؛ «روز به روز گرانی شروع شد و قیمت و اشعار مایحتاج مردم بالا رفت. گندم راه سنبله گرفت. جو به جوزا قدم نهاد. لوبیا بر زولیا سبقت گرفت. قماش ماش، زیب آس اشراف گردید. عدس نقل ارباب هوس گردید. مرجمک بهای مردمک یافت. جوی از ذرت به نخودی از زر به دست نیامدی. فندق صندوقی گردید. سنجد قبیله بادام شد. هر زنی برای نان ارزنی برزنی شد. اغنیا اقتنا شعار نمودند. بهشت را بهشتند و جوی به مزرع آمال نکشتند. فقرا از جان سیر و به تطاول دلیر، روابط الناس را اضطرار دست داده بود:

عاشقان را عاشقی از یاد رفت

خرمن ناموس‌ها بر باد رفت

و آن قیامت عظمی را مصیبت سرما مزید بر علت گردید. غذای فقیران، ادیم، بریان و خون گاو
و گوسفندان ذبح شده مسلخ گردید:

آن چنان سخت شد به مردم کار

کآدمی گشت گرگ آدم خوار

سراپرده‌ها سوخته شد. عیال بر مردم وبال، و اکل حرام، حلال مباح گردید. قیمت نان به یک من
هفت تومان بالغ شد. قروض از حد گذشت. مبیع و مرهون از قلمدان به کتاب
کشید» (ذکواتی، ۱۳۹۶: ۳۵ و ۳۶). صفاءالحق در شعری به مذمت طرفداران انگلیس و شوروی
در جنگ می‌پردازد که با وجود این که هیچ معرفت و معلوماتی ندارند (همان: ۱۲۶)، سخن از
غرب، غرب‌گرایی و تجدد می‌زدند:

اگرچه این قمی و آن بود کاشی

یکی روسی شد آن یک انگلیسی

کراچی راهمی گوید کراشی

فراتر نازده پایسی ز دولاب

نه نجاری و نه قاشق تراشی

نه از صنعت خبر داری نه از علم

نه بستان کاری و نه تخم پاشی

نه دهقانی نه زارع نه دروگر

(همان: ۱۲۶)

۶- سینما و تئاتر

یکی دیگر از ابزارهای فرهنگی دوران اشغال همدان سینما و نمایش بود. تا قبل تاسیس اولین
سینما به سبک امروزی به نام «الوند»، همدان دارای دو سینما به نام‌های «اکباتان» و «مایاک» بود
که موسسین این مراکز پخش فیلم همه ارمنی و از اتباع روسیه بودند که مدت زیادی در همدان

فعالیت داشتند. سینما اکباتان یک سینما رو باز بود که توسط «موسیو باسیل»^۳ از ارامنه همدان در مجاورت خیابان بوعلی راه اندازی شده بود. این مکان اولین محل ثابت پخش فیلم در همدان بود. فیلم‌های آن توسط آپارات ذغالی پخش می‌شد. مردم به حالت ایستاده فیلم‌ها را تماشا می‌کردند. در ابتدا برای جلب مشتری صاحب سینما از بازدید کنندگان پولی دریافت نمی‌کرد و دیدن فیلم تا سه ماه مجانی بود اما بعد از سه ماه بهای دیدن فیلم در این سینما ۲ ریال گردید. سینمای اکباتان فقط محل پخش فیلم نبود بلکه با افتتاح آن اجرای نمایش در آن انجام می‌شد. این مرکز سهم مهمی در احیای تئاتر همدان و اجراهای متعدد نمایشی داشت. در این سینما نمایش‌های مهمی با حضور هنرمندان همدان و تهران اجراء می‌شد و به طور تقریبی به فاصله هر ماه یک نمایش در آن به اجراء در می‌آمد. با وجود تعطیلی این سینما از زمان‌های قبل، در دوران اشغال شهر به ندرت گروه‌های نمایشی در این مرکز فعالیت می‌کردند. در زمان آرامش نسبی شهر، تعداد اجراء نمایش‌های آن بیشتر شد. در سال ۱۳۲۲ ه.ش سالن سینما با تغییرات اولیه به طور رسمی به سالن نمایش تبدیل گردید و به نام تماشاخانه «شکوفه» شروع به کار کرد (عبادی، ۱۳۸۵: ۵۷). در ابتداء در این تماشاخانه گروه‌های نمایشی تهران به اجراء می‌پرداختند و مدیریت آن با هنرمندان تهرانی بود. بعدها گروه‌های همدانی در این مرکز به اجراء نمایش پرداختند. در سال ۱۳۲۳ ه.ش این تماشاخانه به «فرهنگ نو» تغییر نام داد. قبل از تاسیس سینما و تماشاخانه، اغلب گروه‌های نمایشی در مدارس شهر و سالن هتل نادری به اجراء نمایش می‌پرداختند و اجراء این نمایش‌ها بیشتر توسط ارامنه شهر، معلمان مدارس و گروه‌های نمایشی انجام می‌شد. در این زمینه مدارس فرهنگ، آلیانس، نصرت، پهلوی و شرافت از دیگر مدارس فعال تر بودند. اوج فعالیت نمایشی در همدان از سال ۱۳۱۵ ه.ش تا زمان اشغال همدان بود که تعداد زیادی نمایش به اجراء در آمد.

سینما مایاک در سال ۱۳۱۰ ه.ش در همدان تاسیس گردید. این سینما ظرفیت ۲۵۰ نفر را داشت. صندلی تماشاچیان نیمکت چوبی بود. این مرکز توسط «موسیو مایاک» از ارامنه همدان راه‌اندازی شده بود. قیمت تماشای فیلم در این سینما ۵ و ۱۰ و ۱۵ ریال بود و اکثر فیلم‌ها به زبان اصلی و زیرنویس پخش می‌شد. سینما الوند در سال ۱۳۱۲ ه.ش توسط «میران خان» که سابقه کارگردانی

نمایش در همدان داشت، در میدان اصلی شهر احداث گردید. سالن سینما الوند از سینما مایاک بزرگ‌تر بود. این سینما دارای یک آپارات ذغالی بود و در آن فیلم‌های دوبله شده و یا زیر نویس به نمایش در می‌آمد. تا زمان حادث شدن جنگ و اشغال همدان این سینما، تنها سینمای شهر محسوب می‌شد که به پخش فیلم‌هایی می‌پرداخت که در راستای سیاست‌های فرهنگی پهلوی اول بود. تا حدودی حکومت از اهمیت و تاثیر سینما بر مردم به خصوص مردم عادی مطلع بود سعی می‌کرد در راستای سیاست‌های فرهنگی خود از سینما و پخش فیلم‌های مستند تاریخی، داستانی و اقدامات انجام شده به عنوان ابزاری مهم استفاده کند تا تحولات و شرایط ایجاد شده را برای مردم به نمایش بگذارد. با اشغال شهر این سینما مدت زیادی تعطیل بود و مدتی در اواخر جنگ به پخش فیلم پرداخت که چندان استقبالی از آن نمی‌شد. فیلم‌های پخش شده در این دوران بیشتر در راستای سیاست‌های متفقین و فیلم‌های جنگی بود که تا آن زمان تولید و پخش می‌شد. در باب فعالیت این سینما در زمان جنگ آمده: «در اول مهر ۱۳۲۲ بنا به دعوتی که از طرف کنسول‌گری شوروی به عمل آمده بود شب گذشته با حضور فرماندار و روسای دواير دولتی و محترمین شهر و افسران ارتش متفقین فیلم استالینگراد در سینما الوند به معرض نمایش گذاشته شد» (روزنامه اطلاعات، ش ۵۲۷۹: ۳). بعد از جنگ دوباره این سینما به فعالیت خود داد و تا سال ۱۳۲۷ هـ ش تنها سینمای شهر محسوب می‌گردید. مدت زیادی طول کشید تا همدان صاحب سینمای دیگری گردد. اغلب مخاطبان سینمایی همدان در این دوران بیشتر فعالان فرهنگی و تحصیل‌کردگان، کارکنان دولتی و مردم عادی بودند که نسبت استقبال این گروه‌های اجتماعی شهر بستگی به نوع فیلم به نمایش گذاشته شده، داشت. اغلب مخاطبان فیلم‌های عام‌پسند، مردم عادی و برخی از کارکنان دولت بودند.

۷- چاپخانه‌ها

برخلاف دیگر مشاغل و صنوف که اشغال شهر تاثیر زیادی بر فعالیت و درآمد آنها داشت مراکز چاپی و چاپخانه‌ها در ایام جنگ روزگار شلوغی را سپری کردند و این مراکز از ابزار اطلاع‌رسانی

در کنار رادیو محسوب می‌شدند. حکومت و بیگانگان از طریق چاپ و پخش اعلامیه‌ها و چاپ و توزیع نشریات، مردم را از اوضاع جنگ و پیامدهای آن و تصمیمات اتخاذ شده مطلع می‌کردند. در زمان جنگ چاپخانه‌های متعددی در شهر فعالیت داشتند که تعداد بیشتر آنها متعلق به یهودیان و ارامنه مقیم همدان بود و توسط آنها تاسیس شده بود. یکی از این چاپخانه‌های قدیمی «چاپخانه اتحاد فردوسی» بود که توسط یهودیان همدان با سرمایه و شرکت «الياهو مانوئل»، «نورالله فریدونی» و «یوسف فرهمند» به مدیریت یوسف فرهمند تأسیس و فعالیت می‌کرد (برنا، ۱۳۷۳: ۲۹). «چاپخانه گلگون» که موسس آن فریدالدوله گلگون بود. این چاپخانه دارای تجهیزات مناسب چاپی بود. «مطبع آقارضا» که به نام صاحب چاپخانه نام‌گذاری شده بود، بیشتر نشریات همدان را منتشر می‌کرد. از دیگر چاپخانه‌های قدیمی همدان می‌توان به «چاپخانه همدان» به مدیریت سید رضا برومند که از سال ۱۳۱۸ ه.ش فعال بود، «چاپخانه زکریا»، «چاپ اتحاد» میرزا یوسف، «چاپ یکتا» به مدیریت ابوالقاسم شعبانی، «چاپ کمالی» که روزنامه کمالی در آن منتشر می‌شد، «چاپ خورشید» و «کیمیا» اشاره کرد. با توجه به این که در دوره اشغال همدان نشریه‌ای منتشر نمی‌شد و اغلب چاپ محصولات فرهنگی چون کتاب انجام نمی‌شد بیشتر کارکرد این مراکز فرهنگی کارکرد اطلاع‌رسانی عمومی بود و در کنار انتشار اعلامیه‌های مختلف دولتی و متفقین، جمعیت زیادی به خصوص بازاریان از اخبار جنگ و اطلاعیه‌ها از این مراکز خبر می‌گرفتند و از اوضاع و شرایط باخبر می‌شدند.

۸- رقابت فرهنگی و آموزشی متفقین در همدان

تا قبل از حادث شدن جنگ به غیر از افراد آمریکایی مقیم همدان دیگر کشورهای بیگانه و ماموران آنها چندان در حوزه آموزش و کارهای فرهنگی فعالیت نداشتند و به این مباحث تمایلی نشان نمی‌دادند. آن قدر که انگلیس و شوروی در پی فعالیت‌های سیاسی و اقتصادی و نظامی در شهر بودند و اقدام به ایجاد کنسول‌گری، پایگاه نظامی و تجارت‌خانه می‌کردند، چندان به دنبال فعالیت‌های فرهنگی - آموزشی در قالب ایجاد مدارس و مراکز فرهنگی در شهر نبودند و این قبیل فعالیت‌ها با اهداف آنان چندان همخوانی نداشت. با اشغال شهر توسط متفقین توجه این کشورها به فعالیت‌های فرهنگی شدت گرفت و آنها در یک رقابت شدید به دنبال گرفتن امتیازات فرهنگی - آموزشی در همدان شدند تا در پس این فعالیت‌ها بتوانند مواضع سیاسی و نظامی خود را

مستحکم تر و انسجام شهر را تحت تابعیت خود درآوردند. در این راه اقلیت‌های دینی و خارجیان مقیم شهر در جبهه موافقان نیروهای متفقین مهم‌ترین پایگاه و مامن آنها در همدان محسوب می‌شدند. با وجود سکونت جمعیت زیادی از یهودیان و مسیحیان از قدیم الایام در این منطقه و مشترکات آنها با مسلمانان شهر، این جماعت به یک‌باره در جریان جنگ و آمدن نیروهای متفقین به‌طرف‌داری دول متفق پرداخته و مجری سیاست‌های متفقین در همدان شدند. در کنار آنها، جمعیت زیادی از خارجیان در همدان ساکن بودند که بیشتر در زمان قبل از جنگ به امر آموزش و تجارت مشغول بودند و در زمان جنگ هر یک از آنها به‌طرف‌داری از کشور خود پرداختند. کشور انگلیس به سبب وجود ماموران سیاسی در قالب کنسول‌گری، تاجر انگلیسی و فعالان فرهنگی بیشترین طرف‌دار را در ایام جنگ در شهر دارا بود که به نفع آنها در منطقه فعالیت می‌کردند و تا حدودی وظیفه پشتیبانی قوای انگلیس را به عهده داشتند. در رقابت بر سر فعالیت‌های فرهنگی، انگلیسی‌ها زودتر از شوروی توانستند ایستگاه رادیویی در همدان نصب کنند. رادیو لندن در خیابان بوعلی که محل پر تردد شهر محسوب می‌شد در ساعات‌های خاصی از روز به پخش اخبار و برنامه می‌پرداخت و مردم دور این رادیو برای شنیدن اخبار جمع می‌شدند. انگلیسی‌ها در کنار نصب ایستگاه رادیویی اقدام به تاسیس قرائت‌خانه در شهر نمودند که بیشتر مقاصد فرهنگی آنها در این مرکز تبلیغ می‌شد. علاوه بر این برنامه‌های فرهنگی، انگلیسی‌ها در ایام جنگ اقدام به چاپ بولتن روزانه در محل کنسول‌گری شهر می‌کردند که بیشتر با هدف تبلیغ قوای بریتانیا و نشر اخبار جنگ به نفع خودشان بود. در برخی از شماره‌های این بولتن اخبار همدان در دوران جنگ ذکر شده است.

کشور شوروی به غیر از نیروی نظامی، جمعیتی زیادی در همدان نداشت به این خاطر پایگاه مردمی آنها در شهر چندان فعال نبود. تا قبل از جنگ جهانی دوم و بین فاصله دو جنگ اول و دوم، عده زیادی از روس‌ها ساکن همدان بودند و اغلب آنها با تاجر همدانی مرادده داشتند و در شهر دارای کلوپ بودند (سازمان اسناد و کتابخانه ملی، س، ش: ۰۰۰۲-۰۰۰۶۶۴۰-۲۹۰). در این

دوران جمعیت روس‌ها در شهر رو به کاهش نهاد. از فعالیت فرهنگی روس‌ها قبل از جنگ در همدان حضور و فعالیت در حوزه سینما بود. افراد روسی ماشین‌چی سینما مایاک همدان بودند که به‌مدیری یک شخص آلمانی و یک نفر رشتی در همدان دایر شده بود. شهربانی همدان به این فرد روسی مظنون بود و او را تحت مراقبت داشت (همان، س، ش: ۰۰۳-۰۰۳۵۴۷-۲۹۰). در چند نوبت که فرماندهان شوروی جهت بررسی شرایط قوای خود به همدان آمده بودند، بیشتر زمان آنها به بازدید از اماکن تاریخی شهر گذشته بود و بی‌میل از غارت آثار تاریخی شهر نبودند. ژنرال «پاولسکی» یکی از فرماندهان نیروهای شوروی بود که در سفر خود به همدان طی چند روز با اتفاق سردار «منصور علی قره‌گوزلو» فرماندار از آثار باستانی همدان بازدید کرد (مهدوی، ۱۳۴۸: ۵۷). در اواخر جنگ جهانی دوم و زمان تخلیه ایران، روس‌ها به دنبال اخذ امتیازات و مجوزهای فعالیت‌های فرهنگی در همدان بودند و به مانند انگلیسی‌ها پیشنهاد داشتند آنها هم بتوانند در همدان فعالیت فرهنگی داشته باشند. طبق گزارش فرمانداری همدان، در روز ۱۳۲۵/۹/۲۰ آقای «واسیلی چیویلف» کنسول شوروی در کرمانشاه به همراه «کرشیلف» معاون خود به همدان آمده و خواهان اخذ مجوز سه فعالیت در همدان بود:

۱- محلی در خیابان بوعلی برای قرائت‌خانه و تدریس زبان روسی و نصب عکس‌هایی نظیر قرائت‌خانه انگلیسی‌ها که در همدان دایر است در نظر گرفته و اجازه تاسیس خواستند.

۲- در همین محلی که برای قرائت‌خانه در نظر گرفته شده است اجازه می‌خواهند برای استفاده عموم رادیو و بلندگو نصب شود که اخبار به زبان فارسی از مسکو و بادکوبه در اینجا پخش شود.

۳- اجازه می‌خواهند مانند تهران خانه فرهنگ ایران و شوروی را در همدان دایر نمایند.

طبق گزارش فرمانداری این درخواست‌ها منوط به مکاتبه با تهران و کسب اجازه از آنها می‌شود (سازمان اسناد و کتابخانه ملی، س، ش: ۰۰۱-۰۳۷۹۳۴-۳۱۰). در پیگیری این امور در پاسخ وزارت خارجه به «احمد قوام» نخست‌وزیر وقت آمده: تقاضای آنها در اطراف مسائلی است که دولت تا به حال در موارد مشابه موافقت نموده و رد و یا قبول تقاضای کنسول شوروی منوط به رای شما می‌باشد (همان، س، ش: ۰۰۲-۰۳۷۹۳۴-۳۱۰). قوام که مخالف این‌گونه فعالیت روس‌ها

در ایران است به وزارت کشور پاسخ می‌دهد که برای تعطیلی قرائت‌خانه انگلیس در همدان اقدام شود تا تاسیس و افتتاح قرائت‌خانه دولت دیگری، دیگر مورد نخواهد داشت (همان، س، ش: ۰۰۰۷-۰۳۷۹۳۴-۳۱۰).

برخلاف انگلیس و شوروی، آمریکایی‌ها و میسیون‌های مذهبی آنها قبل از حادث شدن جنگ با احداث مراکز آموزشی و انجام برنامه‌های فرهنگی در شهر فعالیت داشتند. میسیون‌ها و افراد آمریکایی به نسبت روس‌ها جمعیت بیشتری را در همدان تشکیل می‌دادند و مراکز آموزشی و درمانی آنها در زمان جنگ تبدیل به پایگاه‌های نظامی این کشور شده بود و اینان با کمک‌های بشر دوستانه قصد جذب و استخدام جمعیت و نیروهای زیادی از ساکنان شهر برای کار در مراکز آموزشی و درمانی داشتند. منافع افراد همدانی شاغل در این مراکز به سبب شرایط کاری در طرف - داری از این کشور بود و به نوعی آنها رابط نیروهای خارجی مستقر در شهر با دیگر اقشار بودند. باغ آمریکایی‌ها در دوران اشغال همدان توسط متفقین تبدیل به یک مرکز آموزشی و عام‌المنفعه شده بود. مهم‌ترین مرکز آموزشی شهر همان مدرسه آمریکایی‌ها (ابن سینا) در اختیار میسیون‌های آمریکایی بود.

نتیجه‌گیری

جنگ جهانی دوم در زمینه فرهنگی - آموزشی منجر به رکود فعالیت‌های انجمن‌های فرهنگی - ادبی همدان گردید. در این دوران شاعران همدانی کمتر دغدغه اجتماع و مردم زمانه خود را داشتند. اکثر شاعران در مقابل اشغال همدان در جریان جنگ جهانی دوم کمتر قلم فرسایی کرده و به پیامدها و تحولات مهم این حادثه به ندرت واکنش نشان دادند و نتوانستند پیامدهای مختلف جنگ را در آثارشان به خوبی منعکس کنند. حادث شدن جنگ در ابتداء باعث فترت مطبوعات و فقدان کارکرد و نقش موثر مطبوعات محلی در این دوران گردید. در زمان اشغال شهر به غیر از انتشار بولتن روزانه توسط انگلیسی‌ها هیچ نشریه‌ای در همدان منتشر نمی‌شد اما به یکباره در

سال‌های پایانی جنگ نشریات متعددی وارد بازار مطبوعاتی شدند که به تدریج به فترت فعلیتی این حوزه خاتمه دادند. با این حال این تجربه مطبوعاتی در زمان جنگ به یک جریان سازی تبدیل نگردید و نشریات محلی به لحاظ کمی و کیفی دوران طلایی را طی نکردند. در این دوره آموزش رسمی به حالت تعلیق درآمد. جنگ و اشغال شهر علاوه بر تعطیل کردن مراکز آموزشی باعث گردید تعدادی از مدارس بزرگ شهر تبدیل به پایگاه‌های نظامی گردند و نیروهای متفقین در آنها مستقر شوند. بسیاری از مدارس اقلیت‌های دینی تعطیل و یا جای خود را به مدارس دولتی دادند. در این برهه زمانی مراکز سینمایی و نمایش نیز کارکرد خود را از دست دادند و فعالیت آنها بطور مستمر و موثر نبود. در این میان قشر تحصیل کرده و فعالان فرهنگی به اوضاع برحسب منافع خویش نگاه می‌کردند و در این وادی یا همراه حکومت و بیگانگان بودند و یا درصد کمی از آنها مخالف اقدامات دولت و بیگانگان بودند. جمعیت آنها در این زمان رو به گسترش بود و به عنوان مرجع مهم تصمیم‌گیری به تدریج در حال به دست گرفتن اختیار منطقه بودند. این پیامدهای منفی در حوزه فرهنگی-آموزشی جزو پیامدهای کوتاه مدت جنگ محسوب می‌شوند. به تدریج با تخلیه شهر توسط متفقین کارکردهای مراکز فرهنگی-آموزشی دوباره احیا و فعالیت‌های خود را خیلی سریع شروع نمودند.

حاصل سخن این که در زمان جنگ در سه بخش اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، در کوتاه مدت بیشترین پیامدها و آسیب‌ها به حوزه فرهنگی-آموزشی وارد گردید. مردم پیامدهای کوتاه مدت را مستقیم و یکباره اما تأثیرات میان مدت را غیر مستقیم و تدریجی درک کردند. معضلات فرهنگی - آموزشی پیش آمده در زمان اشغال منطقه از پیامدهای عینی و ملموس زمان جنگ محسوب می‌شدند. اغلب پیامدهای شکل گرفته در این حوزه تحولات ناخواسته و منفی بود. در زمان جنگ اولویت اول مردم رفع نیازها و مشکلات اقتصادی بود و نیازهای اجتماعی، آموزشی و فرهنگی در آن دوران اولویت مردم محسوب نمی‌شد.

منابع:

- آبراهامیان، پروانده، (۱۳۸۹ش)، تاریخ ایران مدرن، ترجمه ابراهیم فتحی، تهران، نشر نی.

- آوری، پیترو، (۱۳۷۷ش)، تاریخ ایران از رضاشاه تا انقلاب اسلامی، مرتضی ثاقب‌فر، تهران، جامی، ج ۲.
- اذکایی، پرویز، (۱۳۷۳ش)، کتابشناسی همدان، همدان، مرکز مطالعات فرهنگی استان همدان.
- برزین، مسعود، (۱۳۷۱ش)، شناسنامه مطبوعات ایران از سال ۱۲۱۵ تا ۱۳۵۷ش، تهران، بهجت.
- حسینی داور، (۱۳۷۳ش)، دیوان داور همدانی، همدان، مسلم.
- حکمت، علی‌اصغر، (۱۳۷۹ش)، ره‌آورد حکمت، باهتمام سیدمحمد دبیرسیاقی، تهران، انجمن آثار و مفاخر، ج ۱ و ۲.
- جهانپور، علی، (۱۳۹۶ش)، قافیه اندیشان، همدان، برکت کوثر.
- درخشان، مهدی، (۱۳۴۲ش)، بزرگان و سخنسرایان همدان، تهران، ابن سینا، ج ۲.
- ذکاوتی قراگوزلو، علیرضا، (۱۳۹۶ش)، شرح احوال و گزیده‌ی آثار صفاء الحق همدانی، همدان، سوره مهر.
- صابر همدانی، (۱۳۶۱ش)، دیوان اشعار، تهران، کتابفروشی زوار.
- عبادی، نصرالله و کبودراهنگی محمد جواد، (۱۳۸۵ش)، تاریخچه نمایش در همدان، همدان، فراگیر هگمتانه.
- غمام همدانی، (۱۳۴۰ش)، دیوان اشعار، تهران، ابن سینا.
- فروتن، مجید، (۱۳۹۹ش)، تاریخ مطبوعات استان همدان، تهران، طلایی.
- فوران، جان، (۱۳۹۲ش)، مقاومت شکننده تاریخ تحولات اجتماعی ایران، ترجمه احمد تدین، تهران، موسسه خدمات فرهنگی رسا.
- کسرای، محمدسالار، (۱۳۷۹ش)، چالش سنت و مدرنیته در ایران از مشروطه تا ۱۳۲۰، تهران، مرکز.
- کمبریج، (۱۳۸۸ش)، تاریخ ایران دوره پهلوی، (دفتر دوم از جلد هفتم)، مرتضی ثاقب‌فر، تهران، جامی.
- مختاری اصفهانی، رضا، (۱۳۸۰ش)، اسنادی از انجمن‌های بلدی، تجارت و اصناف (۱۳۲۰-۱۳۰۰ش)، تهران، سازمان چاپ و انتشارات.
- مفتون همدانی، (۱۳۷۸ش)، دیوان اشعار، همدان، انتشارات مفتون.

- مهدوی، معزالدين، (۱۳۴۸ش)، اوضاع اجتماعی نیم قرن اخیر (داستان‌هایی از ۵۰ سال)، تهران، چاپخانه وحید.

- ناهید همدانی، (۱۳۷۱ش)، دیوان اشعار، تهران، بی نا.

مقالات

- برنا، قاسم، (۱۳۷۳ش)، «قرائتخانه‌ها و چاپخانه‌های یک صد سال اخیر همدان»، نشریه هگمتانه، سال ۴، شماره ۴۳.

- بیگدلی، علی، (۱۴۰۰ش)، «نقش جراید مخالف در تهران از کودتای ۱۲۹۹ در به قدرت رسیدن رضاشاه»، مجله علمی پژوهشی تاریخ، سال ۱۶، شماره ۶۱.

- حاتمی، محراب، (۱۳۹۹ش)، «چگونگی رویارویی رضاشاه با مقوله تجدد و روشنفکری و واکاوی رفتارشناختی او با روشنفکران»، مجله علمی پژوهشی تاریخ، سال ۱۵، شماره ۵۷.

- داوری، پریسا، (۱۳۹۶ش)، «استعمارستیزی در اشعار عارف قزوینی»، مجله علمی پژوهشی تاریخ، سال ۱۲، شماره ۴۷.

- راعی گلوچه، سجاد و رحمانیان، داریوش، (۱۳۹۶ش)، «سیاست و آموزش در دوره پهلوی دوم، بررسی مورد، علل چگونگی و فرایند تغییر مباحث و مصوبات شورای عالی فرهنگ: ۱۳۲۰-۱۳۳۲»، تاریخ اسلام و ایران، سال ۲۷، شماره ۳۵.

- سلماسی‌زاده، محمد و امیری، آمنه، (۱۳۹۶ش)، «تاثیر نوسازی حکومت پهلوی اول بر پایگاه زنان در خانواده و اجتماع»، تاریخ نامه ایران بعد از اسلام، شماره پانزدهم، سال هشتم.

- عالی‌زاده، اسماعیل و همتی، بهزاد، (۱۳۹۶ش)، «اقدامات اجتماعی و سیاسی دستگاه پهلوی اول در انحصار ساختار سیاسی»، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۷۸، سال ۲۶.

- فقیه، مسعود، (۱۳۷۹ش)، «سوم شهریور ۲۰: مشاهدات و واقعیات»، مجله گزارش، شماره ۱۱۵.

- منوچهری، علی، (۱۳۸۸ش)، «کشاکش رضاخان و مطبوعات در دوره نخست‌وزیری»، پیام بهارستان، سال ۱، شماره ۳.

- نعمتی، نورالدین و ادوای، مطهر، (۱۳۹۲ش)، «مدارس کلیمیان و نظام نوین آموزش ملی در ایران»، پژوهش‌های علوم تاریخی، دوره پنجم، شماره دوم.

- نوازنی، بهرام، (۱۳۸۳ش)، «دشمنان پهلوی»، مجله زمانه، ش ۱۲.

اسناد

- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، اسناد شماره ۰۰۰۳۲-۰۳۵۹۱۰-۳۱۰: ۳۱۰/۶۱۴۶۳، ۰۰۰۲-۲۹۰-۰۰۴۶۴۰، ۳۱۰-۳۷۹۳۴-۰۰۰۲، ۳۱۰-۳۷۹۳۴-۰۰۰۷.

نشریات:

روزنامه اطلاعات، ش ۴۵۷۸، ۴۵۲۶، ۴۵۳۸، ۵۲۷۹، ۴۴۹۴، ۵۲۸۱.

نشریه سپیده، شماره اول، سال ۱۳۲۵ش.

نشریه گلگون، ش ۴۹، ۱۸، ۲۶، ۲۵، ۴۲.

تاریخ شفاهی

- سازمان اسناد و کتابخانه ملی مدیریت غرب کشور (همدان) (ساکما)، آرشیو تاریخ شفاهی، مصاحبه با علی اصغر نژادیان: ۱۳۸۰.